

شکارچی امپراتوری پوشالی

گفت و گو با علی نجدی، هنرمند ۳۴ ساله لبنانی که این روزها آثار ضد ترامپ او بازتاب جهانی دارد و با نگاهی مینیمال و نمادین، چهره پوشالی قدرت را به چالش کشیده و روایت تازه‌ای از نسبت هنر، سیاست و طنز ارائه می‌دهد

شایان اله آبادی | روزنامه‌نگار

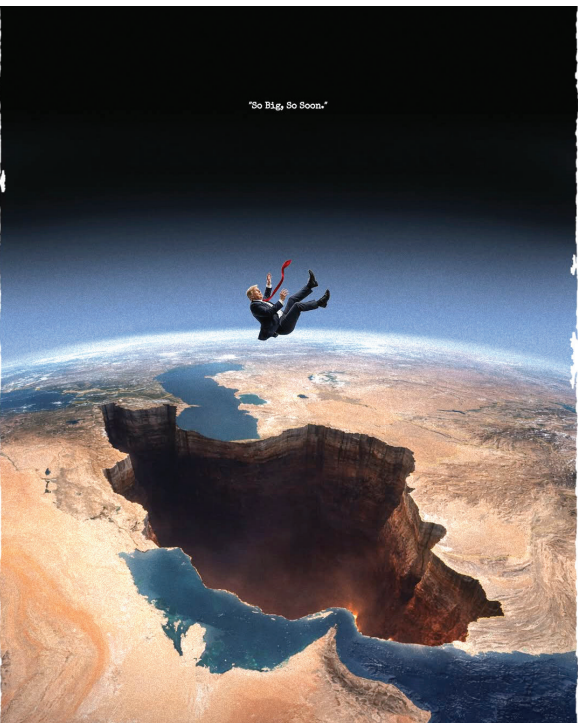


ترامپ این روزها به سوزهای جذاب برای هنرمندان در سراسر جهان تبدیل شده است؛ شخصیتی که تقریباً هرروز در قالب کاریکاتورها و آثار گرافیکی مورد نقد و هجو قرار می‌گیرد. در این میان، «علی نجدی»، هنرمند و طراح لبنانی، با رویکردی منحصر به فرد به سراغ این چهره جنجالی رفته است. تسلط او هم بر نقاشی و هم بر طراحی گرافیک باعث شده است آثاری که در نقد ترامپ خلق می‌کند، با وجود ماهیت گرافیکی، از حس و حال نقاشی گونه‌ای برخوردار باشد. برای مثال، در گرافیک، عناصری مانند تیتروزر نویس اغلب به عنوان مکمل معنایی اثر حضور دارند، حال آن‌که در نقاشی، اثر خود به تنهایی سخن می‌گوید و تفسیر نهایی بر عهده مخاطب است. در آثار نجدی هم معمولاً اثری از عنوان‌بندی نمی‌بینیم. سبک او ساده و مینیمال است، با جزئیاتی محدود و رنگ‌هایی غلیظ و پرکنتر است که کمک می‌کند پیام اثر بدون حواس‌پرتی، مستقیم و مؤثر منتقل شود. از سوی دیگر، استفاده آگاهانه از نمادهای جهانی سبب شده نقدهای تصویری او از ترامپ و سیاست‌های آمریکا، برای مخاطبان بین‌المللی هم قابل فهم و اثرگذار باشد. نجدی با بهره‌گیری از شیوه‌هایی چون کلاژ، تلاش می‌کند شکنندگی چهره قدرت و پوچی سیاست‌های آن را عیان کند. در این پرونده، به سراغ این هنرمند لبنانی رفته‌ایم تا از مسیر هنری، نگاه سیاسی و شیوه مواجهه‌اش با یکی از جنجالی‌ترین چهره‌های سیاست معاصر بیشتر بشنویم.



جنایات آمریکا، تمام بشریت را هدف قرار داده است

او در توضیح چگونگی انتخاب نمادهای جهانی در آثارش چنین می‌گوید: «وقتی کار روی یک طرح یا تابلوی هنری را شروع می‌کنم، این ذهنیت را دارم که اثر باید بتواند با طیف وسیعی از مخاطبان ارتباط برقرار کند، نه فقط مخاطب عرب یا مسلمان، بلکه مخاطب غربی را هم دربرگیرد. از سوی دیگر، شخصیت‌هایی که به آن‌ها می‌پردازم شاید از نظر جغرافیایی دور باشند، اما در زندگی روزمره ما حضور دارند؛ چه از طریق اشغال فضای رسانه‌ای و چه از طریق تصمیمات سیاسی، تخلفات و جنایاتشان علیه جوامع مادر اقصی نقاط جهان. تجاوزی که امروز از آن سوی اقیانوس‌ها می‌آید، تقریباً تمام بشریت را، ولو با درجات مختلف، هدف قرار داده است. معتقدم مخاطب غربی آگاهی فزاینده‌ای نسبت به بسیاری از مسائل سیاسی جهان، از جمله سیاست‌های ایالات متحده و جنایات رژیم صهیونیستی پیدا کرده است و همین موضوع باعث می‌شود آثار هنری با بعد انتقادی در میان آن‌ها بازخورد داشته باشد. همچنین این مخاطب، هنری را که پیامی روشن داشته باشد و با نگاه نقادانه و طنز به چهره‌های جنجالی جهان بپردازد، می‌ستاید.»



تصویرسازی برای امید و پایداری

این طراح لبنانی درباره نقش هنر در تقویت روحیه امید و پایداری مردم لبنان و ایران می‌گوید: «من عمیقاً باور دارم که هنر، نوعی از مقاومت است. همان‌طور که انسان فطرتاً به زیبایی گرایش دارد، با هنر هدفمندی که بازتاب‌دهنده مسائل، دردها و آرزوهایش باشد هم به شدت پیوند می‌خورد. در بستر لبنان و ایران که پیشینه‌ای طولانی در مقابله با سلطه‌گری و درگیری‌ها دارند، روح مقاومت به عنوان بخشی از هویت جمعی متجلی می‌شود. به‌ویژه در لبنان، نبرد مستمر با دشمن صهیونیستی تأثیر عمیقی بر وجدان مردم گذاشته است، به خصوص در محیط شیعی که ارزش‌های صبر، پایداری و چالش در جزئیات زندگی روزمره تبلور یافته و هر فردی به روش خود مقاومت می‌کند. هنر از همان ابتدا جایگاه مهمی در این مسیر داشته است؛ پوسترهای بصری مقاومت اسلامی نقش برجسته‌ای در تقویت روحیه پایداری و ایجاد شور و شوق ایفا کرده‌اند. تمایل افراد به تهیه این پوسترها و نصب آن‌ها در اتاق‌ها، خیابان‌ها و حتی در جبهه‌های جنگ، نشان‌دهنده نیاز عمیق انسانی به هنر به عنوان ابزاری برای ابراز عقیده و همبستگی است. تصویر، همان‌طور که در جیب در کنار عکس عزیزان حمل می‌شود، صرفاً یک فرم بصری نیست، بلکه خاطره، احساس و تعلق خاطر است.»

ZENDEGI - SALAM

روزنامه خراسان رضوی

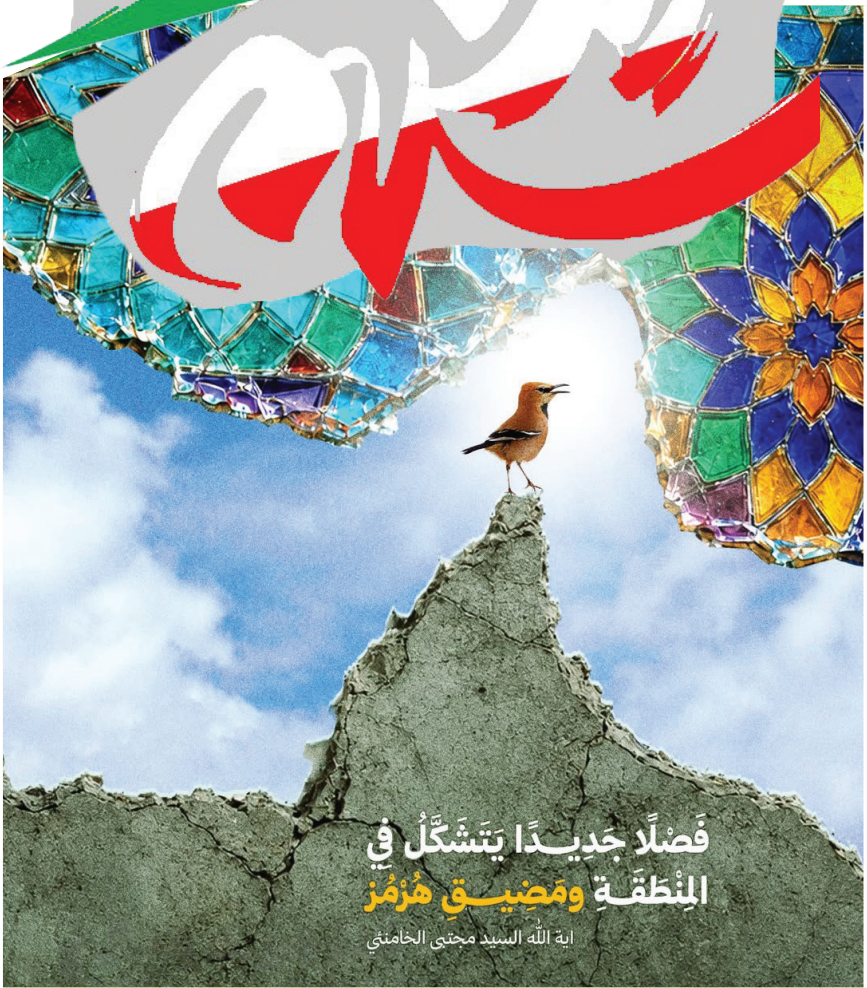
دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵

اول فی الحجه ۱۴۴۷

۱۸ می ۲۰۲۴

شماره ۲۲۰۵۰

۳۲۶۶



فَصْلًا جَدِيدًا يَتَشَكَّلُ فِي
الْمِنْطَقَةِ وَمَصِيقِ هُزُمُرْ

آية الله السيد مجتبی الخامني

تقابل اندیشه و طغیان؛ روایتی از یک پوستر شاخص

آقای نجدی در پاسخ به پرسش درباره اثر محبوبش از میان آثار ضد ترامپ می‌گوید: «در مورد پوسترى که انتخاب کردم، دلایل متعددی وجود داشت که مهم‌ترین آن، استقبال گسترده و موفقیت چشمگیر آن در میان دیگر آثارم بود. به گمانم راز این موفقیت در سادگی و آرازش بصری آن نهفته است. این اثر از دو عنصر اصلی تشکیل شده: در بالا، تصویری از امام خمینی (ره) در یک قاب نصب شده بر دیوار که هاله‌ای از آرازش و هیبت آن را فرا گرفته و در پایین، شخصیت زنده «ترامپ» که سرگردانی در چهره‌اش پیداست و به تصویر می‌نگرد، گویی سعی دارد از نوری را که در آن متجلی است، درک کند. هدف من از این اثر، برجسته کردن تفاوت میان منطق طغیان و منطق اندیشه بود و تأکید بر این که میراث فکری و معنوی عمیق نمی‌تواند در برابر یک قدرت گذرا یا یک شخصیت سیاسی مقطعی شکست بخورد. این اثر از نگاه من، نماینده مسیری مستمر و طولانی است که ابعادی فراتر از محاسبات مادی محدود دارد و از همین رو، برای نگاه‌های صرفاً مادی‌گرا، ناآشنا و نامفهوم است.»



مینى مالیسم؛ راهی برای رسیدن به هسته پیام



او درباره سبک مینی مال آثارش و جهانی فکر کردن در خلق آن‌ها بیان می‌کند: «از نظر سبک شناختی، من گاهی به استفاده از «مینى مالیسم» در کارهایم تمایل دارم؛ چرا که این سبک امکان متمرکز شدن بر ایده اصلی و زدودن عناصر اضافه را فراهم می‌کند و به مخاطب اجازه می‌دهد بی‌واسطه با هسته پیام اثر ارتباط برقرار کند. همچنین هنگام خلق اثر، گاه آن را در فضاهای مختلفی تصور می‌کنم؛ مثلاً روی دیوار خیابانی در شهری در چین یا هر نقطه دیگر از جهان، جایی که این نوع هنر می‌تواند گفت‌وگویی تصویری، فراتر از مرزهای فرهنگی ایجاد کند. من شاهد تعامل قابل توجه مخاطبان مختلف با آثارم در فضای مجازی بوده‌ام و این موضوع، مرا به فکر نمایش آثارم در خارج از دنیای عرب و ورود به عرصه‌های تازه برای دیده شدن و تأثیرگذاری انداخته است.»

ترامپ در قامت یک دلک

تمرکز بر جنبه خاصی از شخصیت او و برجسته کردن آن به صورت بصری یا نمادین است. گاهی این کار از طریق تضاد آشکار در اظهاراتش انجام می‌شود و گاهی از طریق حرکات چهره و بدنش که سرشار از تظاهر و عجایب است، یا از طریق واژه‌ها و عباراتی که به کار می‌برد و چیزهای زیادی را درباره طرز فکر و گفتار پوچ‌پوچی‌اش فاش می‌کند. اما جنبه مهم‌تر برای من این است که چگونه فردی با این اعتماد به نفس اغراق‌آمیز و این حجم از شتاب‌زدگی و سطحی‌نگری، می‌تواند کشوری به بزرگی آمریکا را به سمت نابودی ببرد. این تضاد میان قدرتی که جایگاه او نماینده آن است و سستی یا بیهودگی که در رفتارش دیده می‌شود، همان چیزی است که حضور او را به لحاظ بصری و هنری به ماده‌ای غنی تبدیل می‌کند. بنابراین، وقتی او را به شکلی طنزآمیز یا کاریکاتور ارائه می‌دهم، در واقع تصویر جدیدی از او نمی‌سازم، بلکه تنها همان ویژگی‌هایی را که از پیش در شخصیت، گفتار و عملکردش در برابر عموم وجود داشته، فشرده و تشدید می‌کنم.»



پیشرفت و قدرت امروز ایران، نتیجه سال‌ها فداکاری است

این طراح لبنانی درباره نقش هنر در خاورمیانه و پیامش به ملت ایران می‌گوید: «من باور دارم که هنریکی از مهم‌ترین ابزارهای تأثیرگذاری بر جامعه است، زیرا زبانی است که با عمق وجود انسان سخن می‌گوید و از مرزهای زبانی و فرهنگی عبور می‌کند. از این رو، اهمیت دارد که اثر هنری ترکیبی از زیبایی و هدف باشد و در عین حال، لایه‌ای از ابهام حساب‌شده داشته باشد؛ چرا که انسان ذاتاً به آنچه زیبا و مهم است جذب می‌شود و سعی در گشودن رمز و راز آن دارد که این امر راه را برای تأمل، تفکر و تحلیل باز می‌کند. در همین راستا، درود می‌فرستم به ملت ایران که در مقاطع مختلف، با وجود چالش‌ها و تحریم‌ها، صلابتی استثنایی، ایمانی راسخ و صبری طولانی از خود نشان داده‌اند. آنچه امروز از پیشرفت و قدرت ایران دیده می‌شود، نتیجه سال‌ها فداکاری و تلاش است و این موضوع برای هر کسی که خود را در این مسیر فکری و معنوی شریک می‌داند، مایه افتخار است.»



نقاشی، ابزاری برای نقد طنزآمیز و عمیق

این هنرمند در پاسخ به این پرسش که از دیدگاه یک هنرمند حرفه‌ای، «نقاشی سیاسی» چیست، بیان می‌کند: «نقاشی سیاسی در ذات خود یک ابزار نقادانه تند و تیز است که وظیفه نخست آن، برجسته کردن ناهنجاری‌های واقعیت و فاش کردن تضادهای آن است. گاهی حتی فراتر می‌رود و بعد پیشگویانه به خود می‌گیرد که این موضوع به میزان آگاهی، دانش و تسلط هنرمند به بافت‌های سیاسی و اجتماعی بستگی دارد. با این حال، من شخصا تمایل دارم از این نوع هنر در چارچوب نقد طنزآمیز استفاده کنم؛ سبکی که ایده را خلاصه و فشرده می‌کند تا تأثیر سریع و در عین حال ماندگار و عمیق بگذارد.»